

شکل‌گیری وهابیت و گروه‌های تکفیری از منظر جرم‌شناسی و نقش روحانیت در مقابله با آن‌ها

رسول خواسته^۱

^۱دانش‌آموخته سطح ۳ حوزه‌های علمیه، مدرسه میرزا علی اکبر، اردبیل، ایران

نویسنده مسئول:

رسول خواسته

چکیده

مظلومترین قشر از اقشار مردمی، نیز گمنام‌ترین مخلوقات هستی روحانیت بوده که در عین شناخته شده بودن در گمنامی بسر می‌برند. مردانی بی ادعا که در هر عصری و هر برهه‌ای از زمان زیر بار تهمت‌ها و دشنام‌های اقشار مخالف سعی در انجام وظیفه خود علاوه بر منبر وعظ و خطابه، در سنگر جهاد و مبارزه نیز عمل به آموزه‌های دینی را به مردم یاد داده‌اند. تاریخ اسلام سرشار از حضور علمداران فقیهی است که برای احیای احکام خدا تا آخرین نفس ایستادند و با دشمنان سازش نکردند. مردانی که حرفشان با عملشان یکی بوده است. مردانی که تا پای جان برای عاقبت‌بخیری سایرین حتی از جانشان گذشته‌اند. در مقابل چنین انسان‌هایی منفورترین انسان‌ها هم وهابیون هستند که به خاطر مصالح خود دست به هر جنایاتی می‌زنند مردمانی که برای رسیدن به مقاصد پلید خودشان همانند قوم جاهلیت عمل می‌کنند، سرمی‌برند و مرمان بی‌گناه را قطعه‌قطعه کرده و برای مقاصد شومشان معامله می‌کنند. در این مقاله نسبت به معرفی این قوم منفور پرداخته و نقش روحانیت را در مبارزه با اینان بررسی کرده و نیز به علل جرم‌شناختی از شکل‌گیری تا نابودی تکفیری‌ها می‌پردازد.

کلمات کلیدی: روحانیت، شهادت، وهابیت، سلفی‌گری، جهاد.

مقدمه

در حال حاضر یکی از عوامل مهم فتنه گری در منطقه جریانهای سلفی تکفیری است که عملاً در مسیر منافع خودشان گام برداشته و موجبات فتنه و آشوب در سراسر جهان اسلام را برانگیخته است. تکفیر در دوران معاصر ابعاد گسترده تری یافته است چون علاوه بر وهابیون امروزه غرب و آمریکا نیز وارد عرصه شده‌اند و یک سر تکفیر از آنها ریشه پیدا می‌کند. بعد از این که آمریکا و متحدانش در حملات نظامی علیه ممالک اسلامی که رهبریت آن با امام خمینی (ره) و بعد از رحلت ایشان آیت الله خامنه ای بود شکست خوردند روش مقابله با اسلام از طریق حملات فرهنگی را در پیش گرفتند، آنها برای اجرای این نقشه کاریکاتورهایی را در کشورهایمانند دانمارک و برخی از کشورهای اسلامی علیه پیامبر اسلام (ص) کشیدند، حتی مبحث جمع آوری مناره ها را در کشورهای اروپایی مطرح کردند اما همه این اقدامات نه تنها موجب تضعیف اسلام نشد بلکه باعث اتحاد مسلمانان نیز شد و هنگامی که پروژه‌های آنان علیه اسلام یکی پس از دیگری شکست خورد، پروژه اسلام علیه اسلام را برنامه ریزی کردند. این پروژه به دنبال این بود که اسلام هراسی را در دل اسلام ستیزی ایجاد کند تا مسلمانان را خشن و قاتل و ویرانگر نشان دهد و بهترین راه برای تصویر این شرایط این بود که مسلمانان را علیه یکدیگر شورانده که در این زمینه بذر تکفیر از سوی وهابیت وجود داشت. حتی حمایت آمریکا از اسرائیل نیز از یک طرف برای ایجاد تفرقه افکنی میان مسلمانان بوده و از طرف دیگر برای رسیدن به مقاصد پلید خودش اسرائیل بهترین گزینه بود. گروههای تکفیری با سرکردگی آمریکا و اسرائیل در سراسر جهان اسلام حملات خود را آغاز کرده و نهایتاً به سوریه کشانده شد که البته هدف اولیه آنان نیز ایران اسلامی بود. داعش با نماد اسلام و اسلامیت هر گونه جنایات علیه بشریت^۱ را در سوریه برنامه ریزی و هدایت می کرد. در این بین ایران اسلامی نیز ساکت ننشسته و برای حمایت از هم کیشان و دولت های اسلامی به پا خواسته و برای مقابله با دشمنان اسلام از هیچ کمکی دریغ نکردند. نیروهای نظامی و بسیج مردمی از یکطرف و روحانیت از طرف دیگر دست به دست هم دادند تا برای از بین بردن این گروهک های تروریستی سلفی تکفیری در کنار هم کوشش کنند. وظایف روحانیت در این میان از همه و همه بیشتر نمود دارد، به فرموده امام راحل این حوزه‌های علمیه است که اسلام را تا حالا نگه داشته است. اگر روحانیون نبودند از اسلام خبر نبود. آنکه اسلام را زنده نگه داشته است در مواقع سیاه، در این زمانهای سیاه، همین روحانیون بودند. روحانیت در این میان با مظلومیت و گمنامی پا به عرصه نهاده و با جان و دل هم از لحاظ تبلیغ زبانی و هم عملی عرصه را بر دشمن تنگ و تنگ کرده اند. در مقاله حاضر به بررسی این گروههای سلفی تکفیری و نقش شهدای روحانی در از بین بردن این گروهها پرداخته و نیز به ارایه راهکارهای جدیدی برای مقابله با این قوم لعین میپردازد. به امید روزی که جهان پر از عدل و داد شده و احدی بر احدی کوچکترین ظلمی روا ندارد.

سوالات تحقیق

سوال اصلی: نقش شهدای روحانی مدافع حرم در مبارزه با گروه های سلفی تکفیری چیست.
سوال فرعی اول: عوامل جرم شناختی چگونه می توانند در شکل گیری گروه های سلفی تکفیری نقش داشته باشند.
سوال فرعی دوم: عوامل پیشگیرانه جرم شناختی چگونه می توانند در از بین بردن گروه های سلفی تکفیری نقش داشته باشند.

اهداف

بررسی نقش شهدای روحانی مدافع حرم در مبارزه با گروه های سلفی تکفیری
بررسی عوامل جرم شناختی در شکل گیری گروه های سلفی تکفیری
بررسی عوامل پیشگیرانه جرم شناختی در از بین بردن گروه های سلفی تکفیری

^۱ جنایات علیه بشریت در حقوق بین الملل عمومی به اعمال قساوت باری اطلاق می‌شود که بر ضد انسان‌ها انجام می‌گیرند که این اعمال در قوانین بین الملل بالاترین جنایت قانونی در حق بشریت تلقی می‌شوند معاهده رم توضیح می‌دهد، جنایات علیه بشریت شامل جنایاتی می‌شود که شأن انسان را کاسته و مقام و منزلت انسانی را پایمال می‌کنند، این مسائل گاه به گاه یا منفرد نیستند یا بخشی از سیاست‌های دولتی برای سرکوب و از میدان به در کردن مخالفان هستند یا عملیاتی‌هایی گسترده برای ددمنشی و چشم‌پوشی عمدی به قصد نابودی گروه‌های خاص می‌باشند. به هر حال کشتار، نابودی گروهی، شکنجه، هتک ناموس، کشتار سیاسی، نژادی یا مذهبی و دیگر اعمال غیر انسانی که به نهایت جنایات علیه بشریت می‌رسند و به نوعی بخشی از تمرینات سیستماتیک گسترده‌ای هستند که توسط جنایتکاران تدارک و سازماندهی می‌شوند.

فرضیات

شهدای روحانی مدافع حرم نقش بسزایی در مبارزه با گروه های سلفی تکفیری دارند. بین عوامل جرم شناختی و شکل گیری گروه های سلفی تکفیری رابطه معناداری وجود دارد. بین عوامل پیشگیرانه جرم شناختی و نابودی گروه های سلفی تکفیری رابطه معناداری وجود دارد.

مفهوم شناسی

در این بخش به توضیح مفاهیم اصلی مقاله جهت تبیین و آشنایی بیشتر خوانندگان با این مفاهیم پرداخته می شود.

جهاد نظامی: بدون جهاد، هیچ دشمنی از صحنه عقب‌نشینی نخواهد کرد، و جهاد هم جز با اتحاد و وحدت و هماهنگی، امکان‌پذیر نیست. جهاد نظامی عبارت است از بهره‌گیری از کلیه نیروهای نظامی و انتظامی و بسیج مردمی با کلیه امکانات نظامی مانند اسلحه، تانک، هواپیماهای جنگنده.

جهاد فرهنگی: جهاد فرهنگی برخلاف درگیریهای نظامی، مبارزه‌ای کوتاه مدت و موقت و زودگذر نیست. این جهاد وظیفه جاودانه انسان در صحنه زندگی اجتماعی است. در میدان رزم، در کلاس مدرسه و دانشگاه، در درون بازار، در پشت میز اداره، در محراب و منبر، در درون خانه و کارگاه و کارخانه، جریان دارد. در قرآن کریم چهل و چند بار واژه جهاد به کار رفته و ابعاد گوناگون آن تبیین شده است جهاد فرهنگی تلاش برای جریان جویباری از لیلۃ القدر است که فرهنگ آسمان را به زمینیان و دورافتادگان از ملکوت الهی می‌رساند. بازتابی از درخشش انوار الهی در کوه حراست که با نام خدا و برای خدا و با پیام «إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» آغاز می‌شود و آفاق نگاه و اخلاق و رفتار انسان را گسترش می‌دهد و سرآغاز «تمدن و توسعه راستین» انسانی است. آغاز حرکت در «جهاد فرهنگی»، کار خداست. سخن او آسایش را از برگزیدگان آفرینش و پیامبران خود گرفت و آنان را به قیام واداشت. در این سیر، روح خاتم الانبیاء محمد صلی الله علیه و آله نیز در زیر بارش وحی دگرگون شد. نیمی از شب یا بیش‌تر را بپا می‌خاست و با قلب هستی به گفتگو می‌نشست.^۲ وظیفه اصلی جهاد فرهنگی با روحانیت است.

تکفیر و تاریخچه شکل‌گیری: تکفیر اصطلاحی است در علم کلام و فقه به معنای نسبت کفر و شرک دادن به مسلمان. تکفیر در اصل به معنای پوشاندن است، ولی در عربی و فارسی به معنای گوناگونی به کار رفته است.^۳ ریشه کار امثال داعش، مکتب وهابیت است که وهابیت نیز در تمام دوران حیات خود به جنایات وحشیانه دست زده و به مواضع شیعه در نجف و حرم مقدس امام حسین علیه السلام در کربلا حمله کردند و خزینه حرم را غارت کردند؛ وهابیت بعد از تشکیل حکومت در نجد و تهامه، به مکه و مدینه حمله کردند و به محاصره این دو شهر مقدس، مردم را وادار به تسلیم کردند. وظایف امت اسلامی به خصوص روحانیت این است که از طریق تبلیغ همه‌جانبه رسانه‌ای مثل: ماهواره، تلویزیون، اینترنت و رسانه‌های مکتوب می‌تواند حقایق را روشن کند؛ اگر این گروه به دامنشی و جنایات خود ادامه دهند باید با تمام قدرت در مقابل آن‌ها ایستاد و این وظیفه همه مسلمانان است که در برابر این جنایان، قیام کنند، چون این گروه، اصل اسلام را هدف گرفته‌اند.

وهابیت و تاریخچه شکل‌گیری آن: وهابیت جنبشی مذهبی است که محمد بن عبدالوهاب در قرن هجدهم در نجد عربستان بنیان گذاشت و از سال ۱۷۴۴ مورد پذیرش خاندان سعودی قرار گرفت. دیدگاه وهابی به یک پالایش اساسی در اسلام معتقد است و زیارت قبور و تقدیس برخی افراد را دلالتی بر شرک می‌داند. وهابیت هدف خود را بازگشت به آموزه‌های اصیل در قرآن و حدیث (سنت پیامبر) می‌داند و با هر نوع بدعتی مخالفت می‌کند. وهابیت از نظر ایدئولوژیکی پیرو اعتقادات این تیمیه و از نظر فقهی پیرو مذهب حنبلی است. وهابیت الهام‌بخش بسیاری از جنبش‌های مذهبی جهان اسلام از هند و سوماترا تا سودان و شمال آفریقا بوده‌است و بر جنبش‌طالبان در افغانستان و برخی جنبش‌های اسلامی دیگر قرن بیستم هم تأثیر گذاشته‌است. گروه داعش یکی از گروه‌هایی است که با عقاید وهابی فعالیت می‌کند. اندیشکده امریکن اینترپرایز در مقاله‌ای به نقل از برنارد لوئیس وهابیت را با فرقه کو کلاکس کلان (یک گروه نژادپرست افراطی) مقایسه می‌کند که دارای منابع عظیم نفتی است و موفق به توسعه دیدگاه‌های خود به نام اسلام شده‌است.^۴ عبدالوهاب بعد از اینکه به دلیل مواضع خود از مدینه بیرون شد به شمال شرقی نجد رفته و خاندان سعودی را پیرو باورهای خود کرد و این باعث شد تا وهابیت از نظر سیاسی متحد دودمان سعودی شود. شیخ سعودی متقاعد شد که وظیفه مذهبی آن‌ها به راه انداختن جنگ مقدسی علیه تمام

^۲ مجله مبلغان اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۷، شماره ۱۰۳.

^۳ Susanne Olsson, "Apostasy in Egypt: contemporary cases of hisbah" i The Muslim World, Velum 98:1, 2008.

^۴ Wahhabi. The Columbia Electronic Encyclopedia, Sixth Edition, Columbia University Press. , 2012. accessed November 13, 2012.

انواع دیگر اسلام است. بر همین اساس، در سال ۱۷۴۴ میلادی دولت وهابی ائتلافی بین حاکم نجد یعنی محمد بن سعود و محمد بن عبدالوهاب به عنوان اصلاحگر مذهبی پیوند خورد و منجر به تشکیل ایدئولوژی حکومتی شد. سپس نیروهای نجد که تحت تأثیر آموزش‌های ایدئولوژی جدید قرار گرفتند، به‌طور مداوم و متسمر به سواحل شرقی شبه‌جزیره عربستان که محل تجمع شیعیان شبه‌جزیره بود حمله کردند. در سال ۱۷۹۱ میلادی به ادعای پاک کردن منطقه از اصنام و اوثان (بت‌های سنگی) به منطقه الاحساء یورش بردند. در جریان این حمله ائتلاف وهابی‌ها و سعودی‌ها، تمامی مساجد و حسینیه‌های شیعیان، همه مقبره‌های آنان و هرچه در محل عبادتشان بود را تخریب کردند.^۵ تفکرات انحرافی و ریشه‌های فکری محمد بن عبدالوهاب را می‌توان نشأت گرفته از سلف وی همچون معاویه بن ابی سفیان، مروان بن حکم، حجاج بن یوسف ثقفی، ابو محمد حسن بن علی بن خلف برهاری و نهایتاً ابن تیمیه حرانی دانست که هر یک از این تفکرات در زمان خود محکوم به شکست بود تا این که در قرن دوازدهم هجری توسط محمد بن عبد الوهاب رمقی تازه‌یافت و با استقبال گسترده ال سعود و استعمار پیر انگلیس بهترین حربه برای ایجاد اختلاف در صفوف مسلمانان تشخیص داده شد و به همین رو از روز تاسیس این فرقه تاکنون آنچه از این گروه دیده شده جز ایجاد اختلاف در صفوف مسلمانان و تاراج جان، مال، عرض، ناموس و حیثیت جامعه اسلام و بشریت چیز دیگری نبوده است.^۶

ارتباط تکفیر و وهابیت: گروه‌های تکفیری و افراط‌گرایان به خصوص سلفی‌های سنتی یا وهابیت سیاسی و حکومتی به عنوان یکی از دو رکن حکومت عربستان سعودی، داعیه پرچمداری و ترویج و حمایت تاریخی جریان‌های سلفی در منطقه را در عرصه نظر دنبال می‌کنند؛ در حالیکه در عمل به گسترش مرزهای فرهنگی- مذهبی و سیاسی سلفی‌گری تکفیری و وهابیت در جهان اسلام انجامیده است. این نوعی از نقش آفرینی که در سایه منابع حمایتی غرب و رژیم صهیونیستی انجام می‌شود درواقع نمایانگر نقش دوگانه و متضاد گروه‌های تکفیری و به خصوص سعودی‌ها در عرصه عمل و نظر است. تکفیری‌ها گروهی منشعب از وهابیت هستند با افراطی‌گری بسیار. گروهک تروریستی داعش نوعی از تکفیری‌ها بوده که نهایتاً به وهابیت میرسند.

ادبیات نظری تحقیق: پزشکی را در نظر بگیرید که برای معالجه بیمار خود علت یابی کرده و ریشه بیماری را تشخیص می‌دهد تا بتواند داروی مناسب حالش را تجویز کند در غیر این صورت هرگز نمی‌تواند بیمار را درمان کند و حتی می‌تواند عامل مرگ بیمار و در صورت سرایت، اطرافیان وی نیز گردد. بیماری که خود نمی‌داند عامل بیماریش چیست و مدت‌ها باید رنج و عذاب را تحمل کند و نهایتاً به مرگ منتهی گردد. از وظایف خطیر روحانیت نیز در مسیر عرفان تربیت شاگردانی البته با شناختن خلق و خو و روحیات و درمان رذایل اخلاقی و هدایت وی به مسیر عرفان می‌باشد. در این بخش از مقاله ابتدا به ارایه نظریاتی می‌پردازیم که به عقیده دانشمندان می‌توانند در بروز اختلالات رفتاری تأثیر گذار بوده و عامل انحطاط فرد را به وجود آورند سپس به بررسی ارتباط آن نظریه با مسیله مربوطه پرداخته و نهایتاً پرداختن به وظایف خطیر روحانیت برای هدایت این افراد، افرادی که طبق فرمایش قرآن^۷ یکسان خلق شده‌اند.

نظریه قدرت طلبی: ویلیام گلاسر^۸، شخصیت قدرت طلب را فردی غیر مسئول می‌داند که باید برای خودش مسئولیت قبول کند. اریک برن^۹ معتقد است که شخصیت قدرت طلب یک بازیگر است. به نظر آلبرت آلیس^{۱۰}، شخصیت قدرت طلب، طبق فرضیات غیرمنطقی رفتار می‌کند. شخصیت قدرت طلب، همانند یک مرده است؛ انسانی که به یک عروسک خیمه شب بازی تبدیل شده است. او فاقد عاطفه و در زندگی خویش هیچ هدف یا خواسته‌ای را دنبال نمی‌کند. زندگی اش فوق العاده خسته کننده و تهی و بی‌معناست. او افراد دیگر را کنترل می‌کند و آنها را تحت سلطه جویی خویش قرار می‌دهد و خود نیز در سلطه جویی اش گرفتار می‌شود. شوستروم، شخصیت قدرت طلب را فردی می‌داند که خود و دیگران را به عنوان اشیا استثمار کرده و مورد استفاده و کنترل خود قرار می‌دهد. او از حيله‌ها و فنونی استفاده می‌کند تا نفوذ خود را اعمال کند. نسبت به

^۵ فواد ابراهیم، شیعیان در جهان مدرن عرب، ترجمه: رضا سیمبر، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، ۳۶.

^۶ سید مجتبی عسیری، خدای وهابیت، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۹۴.

^۷ خداوند در سوره روم آیه شریفه ۳۰ می‌فرماید: فَاقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن! این فطرتی است که خداوند، انسان‌ها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست، این است آیین استوار؛ ولی اکثر مردم نمی‌دانند.

^۸ Glaser, William

^۹ Berne, Erich

^{۱۰} Ellis, Albert

خود و دیگران بدبین است و در اعماق قلب خویش به طبیعت بشر، اعتمادی ندارد و ارتباط با سایر افراد بشر به نظر او برای دو منظور کنترل کردن و یا کنترل شدن است.^{۱۱}

تئودور آدرنو، یکی از جامعه شناسانی است که در کتاب شخصیت قدرت طلب خویش به تعریف شخصیت قدرت طلب و مشخص نمودن ویژگی های آن پرداخته است. او شخصیت قدرت طلب را فردی اساساً ضعیف و وابسته و ناامنی دانست.^{۱۲} جاه طلبی و قدرت طلبی در اسلام نیز چنانچه در غیر مسیر هدایت و خدمت به بندگان خداوند باشد امری ناپسند و مذموم بوده و آثار زیانبار فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی را در پی دارد. برای جلوگیری از این رذیله اخلاقی باید آن را شناخت و سپس به درمان آن پرداخت. عواملی که باعث ایجاد قدرت طلبی در فرد می شوند به قرار زیر است:

الف) خود کم بینی و حقارت: یکی از بیماری های روحی و روانی که ممکن است افراد به آن مبتلا شوند احساس خود کم بینی است که در صورت درمان نشدن عواقب خطرناکی را در پی خواهد داشت. فردی که دچار این بیماری است سعی دارد با هر روشی که هست خود را برای دیگران مهم جلوه کند. این اشخاص سعی دارند نظرات خود را بر دیگران تحمیل کنند چه غلط و چه درست. یکی از اثرات این بیماری نزاع و بی احترامی به دیگران است. کمی دقت در زندگی نامه محمد بن عبدالوهاب^{۱۳} این مساله که دچار بیماری خود کم بینی و حقارت بوده است بسیار مشهود است. چنانچه آیت الله جعفر سبحانی در کتاب خود این چنین می نویسد که شیخ محمد به انکار عقاید مردم نجد می پرداخت که به این سبب میان او و پدرش نزاع و جدال در می گرفت.^{۱۴} نزاع و درگیری نه تنها با پدر بلکه با اطرافیان وی نیز در آن زمان مشهود بوده است آدمی با چنین اوصافی نهایتاً عاقبتش نابودی است.

با در نظر گرفتن دو مفهوم مهم احساس خود کم بینی و تبدیل آن به عقده حقارت مترکم و رغبت های اجتماعی خود را جای دیگران گذاشتن و از زاویه نگاه آن ها به مسایل نگرستن و با قلب آنان احساس کردن می توان ریشه انواع استبداد و خود کامگی را در هر شرایط و محیطی اعم از محیط خانواده و بیرون از آن تبیین کرد. کسی که امکان بازسازی شخصیتی به هر دلیلی برایش میسر نشده و دچار عقده حقارت است، هر نوع صدای مخالف عقیده خود را نوعی تحقیر برای خود می شمارد و عدم مجیز گوئی و تاکید دیگران را نوعی مقاومت و ایستادگی در برابر خود می پندارد و کاملاً هویداست که او برای خاموش کردن این احساس به هر وسیله ای متوسل می شود که راحت ترین آن از میان برداشتن یا سرکوب مخالفان است.^{۱۵} این نظریه و این عامل، خود کامگی و هابییون تکفیری و نیز دولت های غربی که سرکرده آن ها دول آمریکا و اسرائیل و انگلیس هستند را به خوبی نشان می دهد که هم می خواهند خود را بزرگ جلوه دهند و هم آن هایی را که ذره ای احساس کنند که مانع قدرت طلبی شان می شوند سعی در نابودی و از میان برداشتن می کنند.

ب: عدم شناخت در مورد حقیقت انسان: علمای اخلاق و عرفان توجه خاصی به خودشناسی دارند و برای نفس انسان حساب جداگانه ای را باز کرده اند. چنانچه در سوره مائده آمده است: ای کسانی که ایمان آورده اید، مراقب خویشتان باشید، مبدا پس از آن که راه یافته اید کسانی که گمراه شده اند به شما زبانی برسانند و گمراهتان کنند. بازگشت شما و آنان همگی به سوی خداست، آن گاه شما و آنان را از حقیقت فرجام آنچه می کردید آگاه خواهد ساخت.^{۱۶} معروف ترین روایت در این زمینه، از پیامبر گرامی (ص) می باشد که خودشناسی را راه خداشناسی معرفی فرموده اند: من عرف نفسه فقد عرف ربه؛ هر کس نفس خویش را شناخت، خدای خویش را شناخت.^{۱۷} چنانچه بر می آید تا انسان از شناخت صفات و ملکات خود غافل باشد، نمی تواند به اصلاح خویش بپردازد، تا با این شناخت بتواند خدا را بشناسد. در مورد این مضمون نیز آنچه هست آن است که این وظیفه نیز بر عهده روحانیت است تا غافلان را به خود شناسی که زمینه خداشناسی است رهنمون کنند. کسی که خود را نمی شناسد نمی تواند خدای خود را بشناسد و کسی که خدا را نشناخت خود ادعای خدایی می کند این بزرگترین کفر در قبال خداوند متعال است. محمد بن عبدالوهاب اگر می توانست خود را بشناسد و بداند که از کجا آمده و به کجا می رود چنین اعمالی را مرتکب نمی شد و چندین هزار نفر را از خداشناسی باز نمی داشت. او کافری بیش نبود که نتایج اعمالش در گروه

^{۱۱} شوستروم، اورت، روان شناسی انسان سلطه جو، ترجمه قاسم قاضی و غلامعلی سرمد، تهران، مرکز نشر سپهر، ۱۳۶۹، ص ۱۵.

^{۱۲} Adorno, T. W, 'the Authoritarian Personality', New York: Harper, 1950, P 123.

^{۱۳} بنیانگذار دیدگاه جدیدی در مذهب سنی حنبلی است که بعدها به نام وهابیت در میان مسلمانان و علمای سنی عربستان سعودی ریشه گرفت.

^{۱۴} سبحانی، جعفر، ائین وهابیت، تهران، نشر مشعر، ۱۳۷۵، ص ۲۴.

^{۱۵} اشپریر، مانس، بررسی روانشناختی خود کامگی، ترجمه علی صاحبی، تهران، انتشارات روشن گران و مطالعات زنان، ۱۳۸۴، ص ۱۴.

^{۱۶} يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.

^{۱۷} بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۲، حدیث ۲۲.

تروریستی داعش خلاصه می‌شده که فرزندی را جلوی مادرش سر ببرند و از گوشت فرزند برای مادرش غذا درست کنند. اعمالی که حتی در زمان جاهلیت هم کسی مرتکب آن چنان اعمالی نمی‌شد.

ج: استیلای قوه شهویه در انسان: حضرت امیر المؤمنین - علیه السلام - می‌فرماید که: حق - سبحانه و تعالی - مخصوص گردانید ملائکه را به عقل، و ایشان را بهره از شهوت و غضب نداد و مخصوص ساخت حیوانات را به شهوت و غضب، و آنها را از عقل بی‌نصیب کرد و مشرف گردانید انسان را به همه اینها، پس اگر شهوت و غضب را مطیع و منقاد عقل گرداند افضل از ملائکه خواهد بود، زیرا که خود را به این مرتبه رسانیده و با وجود منازع، و ملائکه را منازع و مزاحمی نیست.^{۱۸} خداوند متعال در آیه ۱۷۵ سوره اعراف مثل چنین کسانی را به سگ‌ها تشبیه می‌کند و می‌فرماید: و بر آنها بخوان سرگذشت آن کس را که آیات خود را به او دادیم؛ ولی سر انجام خود را از آن تهی ساخت و شیطان بر او دست یافت و از گمراهان شد و اگر می‌خواستیم مقام او را با این آیات و علوم و دانش‌ها بالا می‌بردیم، ولی او به پستی گرایید و از هوای نفس خویش پیروی کرد! مثل او همچون سگ‌ها است که اگر به او حمله کنی، دهانش را باز و زبانش را برون خواهد کرد و اگر او را به حال خود واگذاری، باز همین کار را می‌کند. این مثل گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند؛ این داستان‌ها را برای آنها بازگو کن، شاید بیندیشند و بیدار شوند چه بد مثلی دارند گروهی که آیات ما را تکذیب کردند و تنها آنها به خودشان ستم می‌کردند.^{۱۹} این مثل در باره دانشمندی است که نخست در صف مؤمنان بوده و حامل آیات و علوم الهی گشته، آنچنان که هیچ کس فکر نمی‌کرد، روزی منحرف شود. اما سرانجام دنیا پرستی و پیروی از هوای نفس چنان به سقوطش کشانید که در صف گمراهان و پیروان شیطان قرار گرفت. خداوند این شخص را به سگ‌ها تشبیه کرده است که بر اثر بیماری هاری حالت عطش کاذب به او دست می‌دهد و در هیچ حال سیراب نمی‌شود و پیوسته دهانش باز و زبانش بیرون است. واژه «لَهْث» به معنای بیرون آوردن زبان از دهان است و «لَاهِثٌ» به سگی گفته می‌شود که بدون دلیل و بی‌جهت زبانش را بیرون می‌آورد. سگ معمولی به هنگام تشنگی و یا وقتی که صدمه‌ای به او برسد، زبانش را از دهانش در می‌آورد، یعنی این حرکت زشت حیوان ظاهراً دلیلی دارد، اما سگ لاهث بدون علت پیوسته زبان خود را از دهانش خارج می‌کند. وجه شباهت در این تشبیه «عطش کاذب» و «بی‌دلیل بودن کار زشت» است. یعنی این گونه افراد بر اثر شدت هوا پرستی و غرق شدن در لذات جهان مادی، یک حالت عطش نامحدود و پایان‌ناپذیری به آنها دست می‌دهد که همواره دنبال دنیا پرستی می‌روند و به شکل بیمار گونه‌ای همچون «سگهای هار» دهانشان برای بلعیدن جیفه و مردار دنیا، یعنی مال و مقام باز است و هر قدر مال به دست آورند و به مقام دست یابند، باز هم احساس سیری نمی‌کنند.^{۲۰}

از این مفهوم می‌توان نتیجه گرفت که چنانچه نتواند شهوت و غضب را در خود کنترل کند از حیوان هم دون تر خواهد بود. حاصل عدم کنترل شهوت و غضب در وهابیان و دنیای غرب بسیار مشهود است چون حیوان نیز چنین جنایاتی را مرتکب نمی‌شود که آنان مرتکب می‌شوند. وظیفه روحانیت در این باب نیز آگاهی‌دهی و شناسایی این قوا از سایر قواست.

نظریه علیت: به تصریح توماس آکویناس، وجود هر چیز در جهان به چیزهایی دیگر وابسته است که این وجود توسط آنها توضیح داده می‌شود؛ اما اگر این سلسله بی‌پایان باشد، این توضیح پیوسته به تعویق می‌افتد و در نهایت هیچ چیز توضیح داده نخواهد شد؛ بنابراین جهان تنها هنگامی در نهایت فهمیده خواهد شد که این سلسله به وجودی ختم شود که خود به هیچ چیز وابسته نباشد. هر معلولی علتی دارد و چون دور و تسلسل باطل است، علت العلل وجود دارد.^{۲۱} طبق این نظریه هر رفتاری دارای علت است به عنوان مثال محیط پیرامون فرد در ارتکاب جرم دخیل است که این مبحث نیز در بخش نظریه جرم‌شناسی محیطی بررسی خواهد شد و چنین نیست که بگوییم وهابیت یا گروههای تکفیری بدون علت دست به جنایات می‌زنند یا می‌شود چنین نتیجه گرفت که علت وجودی محمد بن عبد الوهاب به دلیل وجود برخی ژن در نسل آن باشد. این بحث بیشتر ارتباط با نظریه وراثت ژنی دارد که در آن قسمت توضیح داده خواهد شد.

^{۱۸} بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۹۹، حدیث ۵.

^{۱۹} وَأَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ فَإِنَّا فَانْسَلَخْنَا مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْعَاوِينَ وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِذَا تَحَمَّلَ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَرَكَهُ يَلْهَثُ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَافْضِنِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنفُسُهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ.

^{۲۰} کلینی، اصول کافی، ج ۱: ۱۳۶؛ ج ۲: ۱۴۳.

^{۲۱} جعفر سبحانی و محمد محمدرضایی، اندیشه اسلامی ۱، چاپ چهل و نهم، تهران: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۷.

نظریه جرم شناسی محیطی^{۲۲}: این نظریه در مورد مطالعه جرم، جنایت، آزار و اذیت است به گونه ای که علت وقوع آن ها در وهله اول مربوط به مکان های ویژه و در وهله دوم مربوط به شیوه ای است که اشخاص و سازمان ها به فعالیت هایشان به وسیله فاکتورهای فضایی یا مکان محور شکل می دهند.^{۲۳} متا رابینسون در سال ۱۹۹۶ مقاله ای در این خصوص ارائه داد و در آن زمان به بررسی ریشه های بروز رفتارهای مجرمانه و خطرناک دولتمردان و مسئولان پرداخت.^{۲۴} در چارچوب این مجموعه نظریه، تلاش زیادی برای فهم رابطه شرایط محیطی و جرم به عمل آمد.^{۲۵}

برای نمونه به بررسی جزیی ساختمان کنگره آمریکا می پردازیم که نشان از ارتباط طراحی و مجرمیت جهانی دارد. ساختمان کنگره آمریکا تنها یک ساختمان دولتی نیست بلکه کانون روحانی ایالات متحده است. ساختمان، هنر، و نماد های این بنا اهمیت زیاد سازمان های مخفی را در شکل دادن قدرتمندترین حکومت جهان آشکار می سازد. یک فرد آمریکایی عادی ساختمان کنگره را جایگاه دموکراسی می داند که در آن تصمیمات بزرگ سیاسی گرفته می شوند. افراد کمی هستند که به عناصر معنوی معماری و نمادین ساختمان که به واقع آن را به معبدی از راز و رمزهای فراماسونی^{۲۶} تبدیل می کند توجه نمایند. در پشت همه ماجرا جورج واشنگتن قرار گرفته است، یک فراماسون درجه سی و سوم که "مسیح آمریکایی" خوانده می شد. ساختمان کنگره مفاهیم زیادی در بر داشت که برای افراد عادی ناشناخته بود اما گویا سازندگان اهمیت زیادی برای آن ها قائل بودند: همترازی با اجسام آسمانی، اهمیت خطوط لی *ley Lines* خطوطی که تصور میشد اماکن برجسته مذهبی و روحانی را به هم مرتبط می کند، روابط و معانی رمزی و مخفی اعداد، انرژی معنوی، و غیره. این ها ممکن بود برای مردم عادی "چیزهای احماقانه عصر جدید" به نظر بیاید ولی نه برای بنیانگذاران آمریکا که به این چیزها اهمیت زیادی می دادند. مجالی برای توضیح بیشتر در این مورد وجود ندارد علاقه مندان می توانند جهت مطالعه به منابع مربوطه رجوع کنند. به نظر می رسد یکی از وظایف روحانیت در این باب تبلیغ خانه ها و محیط های اسلامی باشد طوری که ساخت و ساز به شیوه اسلامی باشد. طبق نظریه هایی که مطرح است وجود خانه ها و اشکال هندسی مرتبط در آن می تواند یکی از علل بروز جرایم و مجرم شدن فرد گردد.

نظریه وراثت ژنی: یکی از عوامل غیرقابل انکار در سرنوشت انسان، قانون وراثت است. خصوصیات روحی و اخلاقی همچون ویژگی های جسمانی از طریق عوامل وراثتی (ژن ها) از والدین به فرزندان منتقل می شود. برخی قایل به نقش انحصاری وراثت در تعیین سرنوشت انسانی باشند، ولی از منظر برخی دیگر، قانون وراثت تنها به منزله یک بستر است و به نحو اقتضا در اعمال فرد اثر دارد نه به نحو علیت تامه. از این رو، تحت تأثیر عوامل محیطی به خصوص شیوه های تربیتی قابل تقویت یا تضعیف است، مضاف بر آنکه اراده انسان نیز تأثیر بسزایی در سعید یا شقی شدن او دارد.^{۲۷} یکی از حوزه های پژوهش در علم ژنتیک، ژنتیک رفتاری است که به مطالعه وراثت خصوصیات رفتاری و شکل گیری رفتار براساس ژنوم^{۲۸} می پردازد.^{۲۹} برخی از دانشمندان معتقد بودند که تکامل شخصیت انسان ناشی از تأثیر عوامل ژنتیکی است و برخی دیگر بر این باور بودند که شخصیت انسان از محیط تأثیر می پذیرد. امروزه این اعتقاد مقبولیت بیشتری یافته که شکل گیری شخصیت ناشی از هر دو عامل محیط و ژنتیک است. این نظریه با عنوان تأثیر و تأثر متقابل ژن^{۳۰} محیط یا نظریه سرشت و تربیت شناخته شده است.^{۳۱} برای اصلاح و درمان در این رابطه باز بیشترین وظیفه بر عهده روحانیت است که می توانند با شیوه اسلامی به بررسی و توضیح و تبیین این نظریه در بین آحاد عموم ملت پرداخته و نیز در رابطه با مجرمیت و ارتباط آن با زمان شکل گیری نطفه را نیز آشکار سازند. همه چیز اگر در

²² Environmental criminology

²³ Bottoms and wiles, 1997: 305.

²⁴ Robinson, Matthew, 1996, the theoretical of CPTED 25 years of responses to c. ray Jeffrey, edited by: William/ auger and Freda Adler, Appalachian state university department of political science and criminal justice.

²⁵ صالحی، ۱۳۸۸: ص ۱۲۸.

²⁶ به سازمان های برادری پراکنده و مستقل گفته می شود. این کانونها یک سازمان واحد نیستند و مرکز خاصی در جهان ندارند که آن را ریاست کند. در حقیقت فراماسونی ها ملحق به شیطان پرستی هستند و بیشتر به نمادهای شیطانی و انجام کارهای شیطانی می پردازند.

²⁷ پ بصیری، حمیدرضا، گوهری، مریم، نقش وراثت در سرنوشت انسان از منظر قرآن و حدیث، دوره ۴، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۲، صفحه ۱۲۸.

²⁸ مجموعه ژن هایی که در یک سلول انسان یا هر موجود زنده دیگر وجود دارد، ژنوم نامیده می شود. ژنوم یک کتاب دستورالعمل است که هر ژن در آن یک دستورالعمل جداگانه است. در هر یک از سلول های بدن (جز گلبول های قرمز خون) یک نسخه از این کتاب وجود دارد و به زبانی نوشته شده که فقط سلول ها می توانند آن را بخوانند. برای فهم اسرار ژن ها باید با تلاش فراوان این زبان را آموخت. این تلاش بین المللی، طرح یا پروژه ژنوم انسان نام دارد.

²⁹ بیکر، کترین. (۱۳۸۷). ژن ها و انتخاب ها. ترجمه خسرو حسینی پروه. چاپ دوم. تهران: انتشارات مدرسه، صفحه ۵۹.

³⁰ عوامل وراثتی را که از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابند، ژن می نامند. از طریق ژن هاست که صفات و خصوصیات والدین به فرزندان منتقل می شوند.

³¹ اگر می، سید محمد. (۱۳۹۱). «ژنتیک یا محیط؛ کدام یک آینده ما را تعیین می کند؟». فصلنامه اخلاق زیستی. سال دوم. شماره چهارم، ص ۱۸۲.

راستای اسلام و قرآن باشد جامعه ای پاک و سالم و بری از هرگونه جنایتی خواهیم داشت. این نظریه بیشتر شبیه به نظریه تحقیقی^{۳۲} می باشد که اختصاراً به آن می پردازیم.

مکتب تحقیقی: مکتب اثباتی یا تحقیقی ایتالیایی توسط سزار لومبروزو بنیان نهاده شد. لومبروزو که پایه گذار انسان شناسی جنایی نیز است معتقد به جبر در رفتار انسانها و بزهکار بود. در واقع اعتقاد به اینکه مجرم در ارتکاب جرم مختار نبوده و متأثر از عوامل زیستی یا روانی یا اجتماعی است آموزه اصلی این مکتب می باشد. لومبروزو معتقد بود به جبر زیستی بود بدین معنا که مجرم دارای نقایصی در خلقت خویش است که ناخودآگاه او را به سمت ارتکاب جرم سوق می دهد. لومبروزو در راستای اثبات اعتقاد خود مجموعه حدود پانصد بزهکار را مورد بررسی قرار داد و مدعی شد مجموعه این بزهکاران با افراد عادی متفاوت است. او همچنین با استقراء در بزهکاران مختلف این بحث را مطرح نمود که مرتکبین انواع مختلف جرایم دارای خصیصه های ویژه ظاهری در خلقت جسمی خود هستند مثل اینکه افراد با لبهای گوشتی و برجسته معمولاً مرتکب جرایم جنسی می شوند. به عقیده لومبروزو مجرم انسانی است که مراحل تکامل رو طبق نظریه تکامل تدریجی داروین به درستی طی نکرده و در مراحل اولیه خلقت مانده است.^{۳۳}

نظریه موت^{۳۴}: موت در واژگان یعنی مرگ، عدم وجود هستی و فوت می باشد، این نظریه تلفیقی از نظریات محیطی^{۳۵}، وراثت ژنی^{۳۷} و تحقیقی^{۳۸} است. در این نظریه که محوریت هم روی بزهکار است و هم روی محیط اطراف و هم روی اطرافیان. برای ارتکاب جرم یکی از چند عامل محیط، اطرافیان، خود فرد بزهکار باید دخیل بوده باشد. در این نظریه هر سه عامل دخیل در بزهکاری فرد هستند. بروز اولیه حالات مجرمانه از طریق انتقال وراثتی موجب می شود، طی این عامل ژنی که عامل جرم است از طریق پدر یا مادر به فرد بزهکار انتقال می یابد، عامل دخیل دوم نظریه محیط است که می گوید فرد بزهکار تحت تاثیر محیط اطراف مرتکب جرم می شود و نیز عامل دخیل سوم نیز می گوید فرد با اختیار مجرم نمی شود تحت تاثیر اجبار است یا اجبار از طریق اطرافیان یا اجبار از طریق محیط. همان طوری که از اسم این نظریه بر می آید موت یعنی مرگ، اصطلاحاً یعنی مرگ انگیزه انسانیت، زمانی که انسانیت در وجود فردی از بین رفت فرد بزهکار خواهد شد. زمانی که انگیزه خوبی و مهربانی در فرد وجود نداشته باشد فرد به مجرمی خطرناک تبدیل خواهد شد که کنترل آن به مراتب خیلی سخت تر خواهد بود. بیشترین عامل موثر در این نظریه پدر و مادر می باشد زمانی که فرد در بین پدر و مادر محبتی نمی بیند نهایتاً دچار رقت قلب خواهد شد فردی که دچار رقت قلب شده است هر جنایتی از او سر خواهد زد. همانطوری که آیت الله فروغی^{۳۹} می فرمایند زمانی که محبت در انسان وجود نداشته باشد فرد دچار رقت قلب خواهد شد.^{۴۰} در بررسی زندگی نامه و علل پیوستن افراد به گروهک تروریستی داعش این واقعیت مشهود تر می باشد، ۶۵ درصد از کسانی که عضو گروهک تروریستی داعش هستند فرزندان طلاق بوده یا به نوعی از کمبود محبت رنج می برده اند که نهایتاً ضعف ایمان و عقده ای شده و موجب بروز وحشی گری خواهد شد. محیطی که عاری از انسانیت باشد بالاجبار فرد را مجرم بار خواهد آورد.

^{۳۲} در راستای تحولات علوم در قرن نوزدهم دولاپورتا، لاواتر و ژوزف دوگال قسمت‌های مختلف بدن و مخصوصاً چهره و جمجمه را مورد مطالعه قرار داده و بین قیافه و بزهکاری ارتباط برقرار کردند و دوگال مکتب جمجمه‌شناسی را پایه ریزی کرد.

^{۳۳} اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چاپ هشتم، ۱۳۸۴، جلد اول، ص ۹۵.

^{۳۴} The theory of death

^{۳۵} این نظریه حاصل چندین سال تلاش و بررسی نویسنده در راستای پیشگیری از جرم می باشد. طی نظر سنجی و ارایه پرسش نامه آماری در سطح استان اردبیل و نیز بررسی پرونده های زندانیان و نیز بررسی دقیق نظریه های تحقیقی، نظریه وراثت ژنی و نظریه محیطی این نظریه کارسازی شد.

^{۳۶} این نظریه بر تاثیرگذاری محیط روی روان فرد بزهکار دلالت دارد.

^{۳۷} این نظریه چنین می گوید که بزهکاری طی فرایند تولید مثل به فرد بزهکار انتقال می یابد.

^{۳۸} طبق این نظریه انسان در ارتکاب جرم مختار نیست بلکه حاصل اختلالات روانی و جسمانی فرد بزهکار است.

^{۳۹} استاد معظم از سال ۱۳۶۹ ه.ش به طور مرتب سخنرانی و جلسات اخلاق استاد معظم در شهرها و استان‌های مختلف کشور از جمله: قم، تهران، تبریز، اردبیل، زنجان و... تا به الان ادامه دارد و جهت تبلیغ و نشر معارف توحیدی به کشورهای روسیه، ترکیه و آذربایجان سفرهای متعددی انجام داده‌اند.

^{۴۰} سخنرانی در بین نمازگزاران در تاریخ ۱۳/۱۰/۱۳۹۷.

نظریه فرصت:^{۴۱} این نظریه، ارتکاب جرم را ناشی از تقارن فرصت جرم دانسته و معتقد است اصلی ترین راه برای پیشگیری از جرم، از بین بردن فرصت های جرم است.^{۴۲} مطابق این دیدگاه، با توجه به تأثیر غیرقابل انکار فرصت ها، شرایط و زمینه ها در بروز ناهنجاری های اجتماعی، بر پیشگیری جرم از طریق کاهش فرصت ها تأکید می شود. جالب تر این که با وقوع یک جرم، ممکن است فرصت هایی برای ارتکاب جرائم دیگر فراهم شود^{۴۳}

این نظریه نیز بیشتر در رابطه با فرصت هاست و روحانیت می تواند فرصت های جنون آمیز را به فرصت های موفق تبدیل کنند.

نتیجه گیری و پیشنهاد

بهترین روش برای تبلیغ شناخت مخاطب و آماده کردن مطالب مورد نیاز او، با زبان روز است. یکی دیگر از وظایف روحانیون، حضور در مسائل اجتماعی است که باید همراه با اخلاق، نصیحت و ارائه طریق باشد. به سلاح معنویت و علم مجهز باشد تا بتواند معارف دین را با استفاده از کتاب و سنت بصورت عقلانی و قابل فهم برای نسل امروز ارائه کند. مبارزه نظامی با این گروه منحرف لازم است، ولی کافی نیست بلکه باید ریشه های تفکرات آنها توسط علمای اسلامی خشکانده شود؛ باید جلوی این انحرافات را گرفت تا جوانان مسلمان به سمت آنها نروند. این کار در گرو چندین عامل می باشد که به شرح آن ها می پردازیم:

الف) پرورش روحیه شهادت طلبی: با هماهنگی لازم نیروهای مقاومتی تشکیل بشود و بعد از آموزش لازم برای مقابله با تکفیری ها برخیزند و جانانه جهاد دفاعی انجام دهند. هدف اساسی از همه این امور خالصاً لله و فقط دفاع از حریم اسلام ناب باشد و اگر چنین بشود کشته شدن همان شهادت دینی خواهد بود که به فرموده اسلام إحدی الحسنین می باشد. واژه شهادت در زبان عربی از ریشه لغوی شهد است. در فرهنگ منجد الطلاب، شهد مطابق با معانی ذیل آمده است: حاضر شدن در مجلس، چیزی را دیدن، آگاهی یافتن از چیزی، درک کردن چیزی، به نفع یا ضرر کسی در نزد حاکم گواهی دادن و سوگند خوردن به چیزی.^{۴۴}

مرحوم علامه طباطبایی نیز معتقد است که شهادت مصداق پیروی حق و به خاطر اظهار حق و برای زنده کردن حق است. شهید یعنی اینکه هیچ چیز از او مخفی نیست و شهید به معنای علیم است، چرا که خداوند فرمود: شهد الله انه لا اله الا هو و الملائكة.^{۴۵}

استاد محمد تقی جعفری، شهادت را چنین تعریف کرده است:

الف) شهادت عبارت است از پایان دادن به فروغ درخشان حیات در کمال هشیاری و آزادی و آشنایی با ماهیت حیات که از دیدگاه معمولی عقل و خرد در متن طبیعت، مطلوب است، در راه وصول به هدفی که والاتر از حیات طبیعی است؛

ب) شهادت؛ یعنی، پایان دادن به حیات طبیعی برای دفاع از ارزش ها و حیات انسانی افراد جامعه؛

ج) شهادت، شکافتن قفس کالبد مادی و حرکت به مقام شهود الهی در راه وصول به مشیت ربانی در بزرگداشت حیات انسان هاست؛

د) شهادت، تعیین ملاک و میزان و الگو برای زندگی در این دنیا و بیان اینکه زندگان بدون آن ملاک و میزان و الگو نمی توانند خود را دارای حیات واقعی تلقی کنند.^{۴۶}

شهادت، اعتراض سرخی است بر حاکمیت سیاه، فریاد خشمی است بر سرسکوتی که همه حلقوم ها را بریده است شهادت در یک کلمه، برخلاف تاریخ های دیگر که حادثه است، درگیری است. در فرهنگ ما یک درجه است. وسیله نیست، خود، هدف است، اصالت است، خود یک تکامل است. خود یک مسؤولیت بزرگ است شهادت مرگ دلخواهی است که مجاهد با همه آگاهی و همه منطق و شعور و بیداری و بینایی خویش انتخاب می کند.^{۴۷}

⁴¹ Opportunity Theory

⁴² Renzetti, Claire; Curran, Daniel; Maier, Shana (2012). Women, Men, and Society. Pearson. pp. 78-79 ISBN 978-0-205-86369-3.

⁴³ مرکوس فلسون و رونالدوی. کلارک (۱۳۹۳)، فرصت و بزهکاری، مترجمین محسن کلانتری و سمیه قزلباش، زنجان: آذرکک.

⁴⁴ بستانی، فواد افرام. (۱۳۷۰). فرهنگ جدید عربی-فارسی، ترجمه منجد الطلاب، محمدبندریگی، تهران: انتشارات اسلامی. ص ۲۹۲.

⁴⁵ حلی، ابن فهد. (۱۴۰۷ق). عده الداعی و نجاه الساعی، قم: دار الکتب الاسلامی، چاپ اول. ص ۳۳۶.

⁴⁶ جعفری، محمدتقی (۱۳۵۹). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ص ۴.

⁴⁷ شریعتی، علی. (۱۳۵۰). شهادت، تهران: انتشارات حسینیه ارشاد. ص ۶۶.

علامه مطهری معتقد است که مرگی شهادت است که انسان با توجه به خطرات احتمالی یا یقینی، فقط به خاطر هدف مقدس و انسانی یا به تعبیر قرآن «فی سبیل الله» از آن استقبال کند، و شهادت دو رکن دارد یکی آنکه در راه خدا باشد و دوم اینکه هدف، مقدس باشد.^{۴۸}

فرهنگ ایثار و شهادت، فرهنگی است که با آزاد اندیشی و نهادینه شدن در اعماق قلب فراگیران جامعه، نسبت به ویژگیهای نوجوانی و ضعف های او و تهدیدات زمانه بی تفاوت نیست، بلکه به جای دیدن ضعف ها از قوت های نوجوانی می گوید و به جای مرغوب شدن نسبت به تهدیدات زمانه، همان را به فرصتی جهت پیشبرد اهداف ماندنی خود تبدیل می نماید. بی هویتی پیامد گریزناپذیر روند کنونی جهانی سازی است. با تأییراتی که جهانی شدن بر هویت فرهنگی افراد و جوامع می گذارد، بتدریج شاهد حل شدن این فرهنگها در فرهنگ غالب خواهیم بود. فراگیرانی که خود را در هجمه تبلیغات گوناگون گم کنند، باید ریشه در فرهنگ خودی داشته باشند تا براساس آن بتوانند هویت فرهنگی خود را تشکیل دهند. لازمه این امر شناخت آن فرهنگ، عقیده به آن و یافتن مشترکاتی میان خود و فرهنگ ملی است. هر فرهنگی مکانیزمهای دفاعی مخصوص به خود دارد؛ از جمله فرهنگ شهادت طلبی، که از زیر مجموعه های فرهنگ دینی است و از بهترین و قویترین مکانیزمها در این راستاست. در این میان، نظام آموزش و پرورش کشور به عنوان متولی امر تعلیم و تربیت، می تواند نقش سازنده ای را در ترویج و گسترش فرهنگ شهادت طلبی و ایثار ایفا کند، زیرا بهترین مقطع برای نهادینه سازی این فرهنگ اصیل اسلامی، دوره ای است که نوجوان به دنبال شکل دادن به هویت خود است؛ همان زمانی که شخصیت وی در حال شکل گیری است. شهادت طلبی و ایثار فرهنگی اگر جا بیفتد، انقلابی فکری به پا می کند. فرهنگ شهادت طلبی و ایثار مدافع سرسخت تلاش برای گسترش آزادی فکر و اندیشه و معنویت است. هیچ مانعی نمی تواند چون فرهنگ پرشور شهادت طلبی و ایثار در برابر هجمه تمام ناشدنی تبلیغات پر زرق و برق غرب، بایستد و فریاد رهایی از جمود فکر و انبساط رخوت و انقضای ایمان و محبت سر دهد. بی شک، اگر بتوانیم با راهکارهای اصولی و علمی، فرهنگ غنی شهادت طلبی و ایثار را به فرهنگی جذاب و سازنده مبدل کنیم که فراگیران در هر مقطعی به آن همچون امری حیاتی و مورد نیاز بنگرند، بی شک راه دراز مصونیت در برابر غرب و شرق را یک شبه پیموده ایم. هیچ چیز جز ذهن ناآرام نوجوان نمی تواند همچون لوحی سفید، گیرنده ایده ها و نمادهای مختلف شود؛ و چه بهتر که ما بتوانیم این ذهن پاک را به فرهنگی ناب چون شهادت طلبی و ایثار بیاراییم. تلاش برای احیای فرهنگ جهاد و ایثار نیاز به برنامه ریزی های بنیادین دارد و ما در این مقاله به گوشه ای از راهکارهای ترویج این فرهنگ اشاره کرده ایم. به امید آنکه با تأسی به فرهنگ غنی شهادت طلبی و ایثار، جامعه اسلامی ما از زیر بمباران تبلیغاتی غرب خود را نجات داده، راه سعادت و عدالت را در متن مکتب همیشه جاوید اسلام جستجو کند.

ب) برگزاری کلاس های اخلاقی: کلاسهای اخلاق در حوزه های علمیه از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار است. پرورش بعد روحانی و تقویت جنبه های خوب و پسندیده اخلاقی در وجود دانش پژوهان علوم دینی از اهداف اولیه نظام علمی و تربیتی حوزه ها به شمار می آید و در این راستا درسهای اخلاق مهمترین گام را برمی دارند. ارتقای معنویت و کسب این فضایل باعث ایجاد روحیه اسلامی شده و در مملکتی که اوج معنویت بیداد می کند هیچ گونه جرمی وجود نخواهد داشت. ای کاش حوزه های علمیه بیش از همه چیز به تقویت این گزینه بپردازند و نه تنها برای طلاب بلکه برای سایر اقشار ملت نیز این امکان را فراهم آورند چون اقشار سطح پایین از آگاهی کمتری برخوردارند و مجرمیت در این اقشار به مراتب بیشتر از سایر اقشار است.

ج) تبلیغ و تبیین اهداف شوم آنان: در سطح جهانی تا بیشتر و بهتر معلوم شود که این گروه خونخوار و فاسد و مفسد فی الأرض برای چه فعالیتی به وجود آمده اند و نیز باز خوانی و شناسایی درست از افکار فاسد آنان تا مردم مسلمان از حقیقت آنها به خوبی با خبر باشند و همینطور شناساندن آن دسته از کشورهای که پشتیبانی پولی و نظامی و لوژستی و تبلیغاتی می کنند تا مردم مسلمان با طبقات مختلف خود بدانند که چه کسانی دشمن اسلام و مسلمین هستند.

د) ایجاد و تقویت اتحاد و همبستگی مخلصانه بین علما و دانشمندان و متنفذین و عموم مسلمانان: این عامل زمینه ساز بوده و باید همیشه برقرار باشد و از هر گونه اختلاف دست بردارند یعنی با همدیگر در موارد اختلافات جزئی مشاجره و تنازع نمایند و صد البته که ایجا اتحاد به عهده علمای بلند پایه نجف و قم و الأزهر و دیگر مراکز دینی اسلامی خواهد بود.

منابع و مراجع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چاپ هشتم، ۱۳۸۴، جلد اول، ص ۹۵.
- ۳- اشپربر، مانس، بررسی روانشناختی خود کامگی، ترجمه علی صاحبی، تهران، انتشارات روشن گران و مطالعات زنان، ۱۳۸۴، ص ۱۴.
- ۴- اکرمی، سید محمد. (۱۳۹۱). «ژنتیک یا محیط؛ کدام یک آینده ما را تعیین می کند؟». فصلنامه اخلاق زیستی. سال دوم. شماره چهارم. ص ۱۸۲.
- ۵- بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۲، حدیث ۲۲.
- ۶- بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۹۹، حدیث ۵.
- ۷- بستانی، فواد افرام. (۱۳۷۰). فرهنگ جدید عربی-فارسی، ترجمه منجد الطلاب، محمدبندرریگی، تهران: انتشارات اسلامی. ص ۲۹۲.
- ۸- بصیری، حمیدرضا، گوهری، مریم، نقش وراثت در سرنوشت انسان از منظر قرآن و حدیث، دوره ۴، شماره ۱۳، زمستان ۱۳۹۲، صفحه ۱۲۸.
- ۹- بیکر، کترین. (۱۳۸۷). ژن ها و انتخاب ها. ترجمه خسرو حسینی پژوه. چاپ دوم. تهران: انتشارات مدرسه، صفحه ۵۹.
- ۱۰- جعفری، محمدتقی (۱۳۵۹). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ص ۴.
- ۱۱- حلی، ابن فهد. (۱۴۰۷ق). عده الداعی و نجاه الساعی، قم: دار الکتب الاسلامی، چاپ اول. ص ۳۳۶.
- ۱۲- سبحانی، جعفر، آئین وهابیت، تهران، نشر مشعر، ۱۳۷۵، ص ۲۴.
- ۱۳- سبحانی جعفر و محمد محمدرضایی. اندیشه اسلامی ۱. چاپ چهل و نهم. تهران: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۷.
- ۱۴- سید مجتبی عصیری، خدای وهابیت، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۹۴.
- ۱۵- شریعتی، علی. (۱۳۵۰). شهادت، تهران: انتشارات حسینیه ارشاد. ص ۶۶.
- ۱۶- شوستروم، اورت، روان شناسی انسان سلطه جو، ترجمه قاسم قاضی و غلامعلی سرمد، تهران: مرکز نشر سپهر، چاپ چهارم، ۱۳۶۹.
- ۱۷- صالحی، ۱۳۸۸: ص ۱۲۸.
- ۱۸- فواد ابراهیم، شیعیان در جهان مدرن عرب، ترجمه: رضا سیمبر، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، ۳۶.
- ۱۹- کلینی، اصول کافی، ج ۱: ۱۳۶؛ ج ۲: ۱۴۳.
- ۲۰- مجله مبلغان اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۷، شماره ۱۰۳.
- ۲۱- مخبر دزفولی، حاج شیخ عباس. (۱۳۷۵). ارمغان شهید، قم: نشر جامعه مدرسین، چاپ سوم. ص ۸.
- ۲۲- مرکوس فلسون و رونالدوی. کلارک (۱۳۹۳)، فرصت و بزهکاری، مترجمین محسن کلانتری و سمیه قزلباش، زنجان: آذرکلک.

- 23- Adorno ،T. W. – Frenkel-Brunswik ،E. – Levinson ،D. J. – Sanford ،R. N. The Authoritarian Personality ،New York: Harper. 1950.
- 24- Bottoms and wiles, 1997: 305 environmental criminology in the oxford handbook of criminology oxford.
- 25- Robinson, matthew, 1996, the theoretical of CPTED 25 years of responses to c. ray jeffrey, edited by: williom/ auger and Freda adler, appalachion state university department of politicalscience and criminal justice.
- 26- Renzetti, Claire; Curran, Daniel; Maier, Shana (2012). Women, Men, and Society. Pearson. pp. 78–79. ISBN 978-0-205-86369-3.
- 27- Susanne Olsson, "Apostasy in Egypt: contemporary cases of hisbah" i The Muslim World, Volym 98:1, 2008.
- 28- Wahhabi. The Columbia Electronic Encyclopedia, Sixth Edition, Columbia University Press. , 2012. accessed November 13, 2012.